موضوع پژوهش

وفاى به عهد در اسلام

ويژه راهنمايى و دبيرستان

جعفر فكرى

\* مقام معلم

پاى بندى به عهد و پيمان يك اصل جهانى است و از امهات فضايل به شمار مى رود. تمام افراد بشر, از هر قاره و اقليمى, به اين اصل ريشه دار و عميق وفاى به عهد عنايت خاصى دارند و عهدشكنى را خيانت و رعايت عهد و پيمان را فضيلت مى شمارند; يعنى در سر سويداى بنى آدم, حتى وحشى ها نيز اين تمايل ذاتى وجود دارد. اين كشش فطرى زاييده عادات و آداب اجتماعى نبوده و در سايه تبليغات ايجاد نشده, بلكه از اعماق ذات انسان نشأت يافته و به صورت يك فرهنگ بين المللى در ميان همه انسان ها حكومت دارد.

وفاى به عهد يكى از اصول و پايه هاى با اهميت اخلاقى است كه هم در قرآن مجيد و هم در روايات و سخنان پيشوايان دين, بر آن تأكيد شده است.

معناى واژگانى عهد عبارت است از: حفظ و نگه دارى پى درپى چيزى, پيمان را نيز از آن جهت عهد گفته اند كه مراعات آن لازم است.1 اين واژه كه در فارسى به آن پيمان, قول و… گفته شده, نوعى قرارداد است كه ميان دو يا چند نفر و يا گروه بسته مى شود كه اگر به طور صحيح و برابر موازين شرع باشد لازم الوفا بوده و تخلف از آن روا نيست.

وفاى به عهد از منظر قرآن و روايات

قرآن مجيد اين مسئله را بسيار مهم دانسته و به رعايت آن دستور داده است.

\* (واوفوا بالعهد ان العهد كان مسئولا;2 و به عهد [خود] وفا كنيد, كه از عهد سؤال مى شود.)

\* (والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون;3 و آن ها [مؤمنان] كه امانت ها و عهد خود را رعايت مى كنند.)

اين آيه شريفه, وفاى به عهد و پيمان را از صفات افراد با ايمان مى شمارد; يعنى كسى كه مؤمن واقعى است بايد به عهد و پيمانش پاى بند باشد.

\*(انّ اللّه لايخلف الميعاد4; خداوند خلف وعده نمى كند.)

روشن است كسى كه نسبت به عهد و پيمانش ثابت و استوار باشد, متصف به يكى از صفات الهى خواهد بود.

پيشوايان معصوم ـ عليهم السلام ـ با تأكيد فراوان, پيروان خود را به وفاى به عهد دعوت كرده اند كه از باب نمونه چند روايت را ذكر مى كنيم.

\* پيامبر اكرم(ص) فرمود: (من كان يؤمن باللّه واليوم الآخر فليف اذا وعد; هركس به خدا و روز جزا ايمان دارد بايد به وعده اى كه مى دهد, وفا كند.)5

\* على(ع) فرمود: (همانا عهد و پيمان ها, گردن بندهايى در گردن ها هستند تا روز قيامت. كسى كه آن را به پا دارد, خداوند او را به (هدفش) مى رساند و كسى كه آن را بشكند, خداوند او را به خودش وامى گذارد.)6

\* در پاره اى از روايات پاى بندى به عهد و پيمان لازمه دين دارى به حساب آمده است.

پيامبر اكرم(ص) فرمود: (لادين لمن لاعهد له; كسى كه به عهد و پيمانش وفا نكند دين ندارد.)7

اقسام عهد و پيمان

عهد و پيمان داراى اقسامى است و در تقسيم اول بر دو قسم است:

اeف) عهد و پيمان با خدا; يعنى انسان براساس خلقت و فطرت پاك انسانى و تعاليم دين الهى متعهد است تا خدا را بپرستد و از او اطاعت كند و از پيروى شيطان دورى گزيند. چنان كه خداوند در قرآن فرمود: (اى فرزندان آدم آيا با شما عهد نكردم كه شيطان را نپرستيد, زيرا براى شما دشمن آشكارى است؟ و اين كه مرا بپرستيد, كه راه مستقيم اين است؟)8

و باز مى فرمايد: (به پيمانى كه با خدا بسته ايد وفا كنيد تا من نيز به پيمان شما وفا كنم.)9

ب) عهد و پيمان انسان ها با يك ديگر, كه بر چند گونه است; مانند: پيمان هاى حقوقى, تجارى, سياسى, اجتماعى, اقتصادى و….

زيان پيمان شكنى

پيمان شكنى علاوه بر زيان فردى, زيان اجتماعى نيز دارد. اثر فردى آن اين است كه خشم خدا را براى پيمان شكن در بر دارد و او را از رحمت حق دور مى كند. و از نظر اجتماعى, پيمان شكن در چشم مردم بى ارزش و از احترام او كاسته مى شود. حضرت على(ع) در عهدنامه مالك اشتر به اين حقيقت تصريح كرده مى فرمايد: (اَو أَن تَعِدَهم فَتُتبِع مَوعِدَك بِخُلفِك… والخلف يوجب المقتَ عندالله والناس;10 [مالك] از اين كه به آن ها [رعيت] وعده دهى و سپس تخلف كنى, برحذر باش… و خلف وعده موجب خشم خدا و خلق است). پيغمبر اكرم(ص) پيمان شكنى را مايه چيرگى دشمن دانسته و مى فرمايد: (اذا نقضوا العهد سلّط اللّه عليهم عدوّهم; هرگاه پيمان شكنى كردند, خداوند دشمنشان را بر آن ها چيره مى كند),11 زيرا پيمان شكنى مايه سلب اعتماد از يك ديگر شده و اتحاد و يگانگى را از بين مى برد. وقتى هم, جامعه اى دچار پراكندگى شد, هنگام خطر نمى تواند با يك پارچگى در برابر دشمن بايستد. امام صادق(ع) نيز فرمود: (وعده مؤمن به برادر [دينى]اش نذرى است كه كفاره ندارد. پس كسى كه خلف وعده كند, با وعده خدا مخالفت كرده و خود را در معرض خشم خدا قرار داده است.)12

مى توان گفت لزوم وفاى به عهد در اسلام از مقرراتى است كه جنبه جهانى دارد و خاص امت اسلام نيست; يعنى مسلمانان نه تنها مكلف اند به پيمان هايى كه با مسلمانان مى بندند وفا كنند, بلكه وظيفه دارند نسبت به پيمان هايى كه حتى با غير مسلمانان ـ از هر ملت و نژاد و آيين ـ مى بندند وفادار باشند. پيامبر اكرم(ص) فرمود: (ثلاثة ليس لاحد فيهن رخصة: الوفاء لمسلم كان او كافر و برّ الوالدين مسلمين كانا او كافرين واداء الامانة لمسلم كان او كافر; سه چيز است كه هيچ كس اجازه تخلف از آن را ندارد: 1ـ وفاى به عهد, خواه طرف پيمان مسلمان باشد يا كافر; 2ـ نيكى به پدر و مادر, چه مسلمان باشند يا كافر; 3ـ اداى امانت, خواه امانت گذار مسلمان باشد يا كافر.)13

تأثير وفاى به عهد در اجتماع

پاى بندى به عهد و پيمان, در زندگى مردم و روابط داخلى و خارجى آنان تأثير بسيار دارد و هر اندازه مردم بيش تر آن را رعايت كنند اعتماد بيش ترى نسبت به يك ديگر پيدا مى كنند. در نتيجه احساس آرامش بيش تر نموده و با خيال راحت ترى به فعاليت مى پردازند و نسبت به تعهدات مالى احساس ناامنى و نگرانى نمى كنند. طبيعى است در كشورى كه مردم وفاى به عهد را وظيفه انسانى, اخلاقى و دينى خود بدانند و در مراعات آن كوشا باشند, تعهدات مالى و قراردادهاى اقتصادى بر پايه اعتماد و اطمينان كامل شكل مى گيرد و باعث رشد اقتصادى آن كشور و مايه سعادت مردم آن مى گردد, زيرا بده كار در وقت معين و مقرر بدهى خود را مى پردازد و فروشنده نيز كالا را برابر تعهدات خود تسليم خريدار مى كند و چرخ اقتصاد منظم حركت مى كند. اما اگر هريك از طرفين به تعهد خويش بى اعتنايى نشان دهند و تخلف كنند, به همان مقدار سلب اعتماد پديد آمده, باعث كندى گردش چرخ اقتصاد مى گردد.

از اين رو پيشوايان اسلام براى اين كه پيروان خود را متوجه اهميت وفاى به عهد بنمايند و نقش آن را در سعادت و تأثير پيمان شكنى را در بدبختى فرد و جامعه بيان كنند, از هيچ كوششى فروگذار نمى كردند. توجه به داستان ذيل حايز اهميت است.

امام سجاد(ع) وقتى دچار مضيقه مالى شد و در تنگناى اقتصادى قرار گرفت, براى حل مشكل خويش از يكى از غلامان آزادشده خود كه بر اثر كار و تلاش, مالى اندوخته بود, مبلغ ده هزار درهم قرض خواست. او نيز پذيرفت و از حضرت درخواست كرد چيزى را به عنوان وثيقه پيشش بگذارد.

امام نخى از عباى خود كشيد و فرمود اين را به عنوان وثيقه پيش خود نگاه دار. ابتدا پذيرش آن براى غلام سنگين بود, ولى با توجه به شخصيت امام سجاد(ع) آن را پذيرفت و نخ عبا را گرفت و در يك قوطى چوبى جاى داد. به زودى خداوند براى حضرت گشايش مالى قرار داد, پول را براى غلام برد و فرمود: (قد احضرت مالك فهات وثيقتى; پولت را آماده كردم وثيقه ام را بياور). غلام گفت من نخ عبا را گم كرده ام. حضرت فرمود: (اذاً لاتأخذ مالك منّى مثلى لايستخفّ بذمّته; در اين صورت طلب خود را از من نگير, زيرا تعهد شخصى چون مرا نبايد ناچيز گرفت تا اين كه غلام رفت و قوطى را آورد و ديد نخ عبا در ميان آن هست. نخ را به امام برگرداند و امام نيز پول را به او داد.14

با توجه به اهميت اين سجيه اخلاقى, موضوع پژوهش اين شماره مجله را براى مقطع راهنمايى و دبيرستان (وفاى به عهد در اسلام) در نظر گرفتيم تا پژوهش گران ارجمند با استعانت از خداوند منان ابعاد مختلف آن را بررسى و مقالات سودمندى تدوين نمايند تا گام ديگرى در ارتقاى سطح معلومات علاقه مندان به فرهنگ اسلامى و تقويت بنيه اخلاقى نسل جوان برداشته شود.

محورهاى بحث

1ـ معناى عهد و پيمان.

2ـ اقسام عهد و پيمان.

3ـ وفاى به عهد از نظر قرآن.

4ـ وفاى به عهد در روايات.

5 ـ آثارى فردى و اجتماعى پاى بندى به عهد و پيمان.

منابع

1ـ قرآن.

2ـ كتاب هاى روايى: نهج البلاغه, اصول كافى, بحارالانوار,….

3ـ كتاب هاى استاد شهيد آيةاللّه مطهرى.

4ـ كتاب هاى اخلاقى: معراج السعاده, جامع السعادات.

5 ـ گفتار فلسفى, كودك, ج2.

6 ـ تعاليم آسمانى اسلام.

7ـ نقطه هاى آغاز در اخلاق عملى.

8 ـ استقامت, سيد رضا صدر.

9ـ كتاب هاى تفسير: الميزان, نمونه,….

10ـ آيين زندگى.

پى نوشت ها:

1 ـ راغب اصفهانى, مفردات (دفتر نشر كتاب) ص350.

2 ـ اسراء(17) آيه 34.

3 ـ مؤمنون(23) آيه8.

4 ـ رعد(13) آيه31.

5 ـ اصول كافى, ترجمه سيد هاشم رسولى محلاتى, ج4, ص69.

6 ـ ميزان الحكمه, ج3, ص2147.

7 ـ همان.

8 ـ يس(36) آيه60 ـ61.

9 ـ بقره(2) آيه40.

10 ـ نهج البلاغه, نامه 53.

11 ـ ميزان الحكمه, همان.

12 ـ اصول كافى, همان, ص68.

13 ـ مجموعه ورّام, ج2, ص121.

14 ـ بحارالانوار, ج46, ص146.